

۴۳. پیام سنگها - بخش نخست

در بهار سال ۱۹۴۷ میلادی دو نفر شبان عرب بنام محمد الضیب و احمد محمد بود در مکانی بنام خربت قمران که در ساحل شمالی بحرالمیت است زندگی میکردند و گله خود را برای چرا می بردند. زمانی در اطراف چراگاه ناگاه سوراخی نظر آنان را جلب کرد. یکی از آنان سنگی در فلاحن خود نهاد و بآن سوراخ نشانه رفت. سنگ بهدف خورد. صدای شکستن کوزه ای بگوششان رسید ولی شکستن کوزه آنان بهراس انداخت و از محل فرار کردند.

بعداً حس کنجکاوی وادارشان کرد برگردند و ببینند چه چیزی را شکسته اند. بکندن سوراخ مذکور پرداختند که آنان را بغاری وسیع رسانید و با تعجب متوجه شدند که غار پر از کوزه های گوناگون میباشد. یکی را باز کرده متوجه شدند که طوماری پیچیده از چرم در آن قرار دارد. کوزه دیگری را باز کردند و دیدند که آن نیز دارای طوماری دیگر میباشد. یکی از طومارها را از کوزه در آوردند و بشهر رفته سوری در اورشلیم برد. اسقف طومار را به استاد دانشمندی داد که سرانجام معلوم شد که طومارها همه از بهترین نسخ نوشته های ۲۰۰۰ سال پیش میباشد.

بزودی علما مغاره و سایر مغاره های آن اطراف را کاوش کردند و طومارهای بسیاری یافتند و دریافتند که طومارها جزوات کتب مقدسه میباشد که تقریباً دوپست سال قبل از تولد مسیح نوشته شده بودند. البته سؤالی که پیش آمد این بود که آیا

طومارهای آن زمان با نوشته های تورات و مزامیر امروزی تطبیق میکنند یا خیر؟ پس از کاوشهای طولانی و دقیق توانستند همه را بخوانند و بر آنان آشکار گردید که هیچ فرق قابل ذکری در بین آنها و نسخ امروزی نیست.

بزرگترین و مهمترین طوماری که بین آن مغارها کشف گردید تمام نوشته های حضرت اشعیا نبی بود. کتاب اشعیا نبی روی شانزده پارچه چرمی بطول تقریباً هفت متر بود. تمام کتاب از اولین آیه تا آخرین آنها همه روی طومار وجود داشت. در بین طومارهای دیگر تقریباً تمام جزوات ۳۹ کتب مختلف عهد عتیق وجود داشت.

کشف طومارهای بهرالمیت استناد بزرگی برای ایمانداران نسبت باوامر خداوند بزرگ میباشد. در این روزهای آخر که مردم به هوا و هوس دنیوی مشغولند چنین کشفی لازم بود. پنهان بودن آنان تا باامروز جز خواست خدا دلیل دیگری ندارد. خداوند منظور خاصی در محافظت آنها داشت. در زمانی که تحقیقات علما و متفکرین دنیا اهداف عجیبی پیشنهاد میکرد، پیدایش و اثبات درستی کلمات خداوند ایمان مؤمنین را محکمتر بر بنیادی قوی تر بنا میکند.

هر فردی باید مطمئن گردد که این کتاب مقدس از کجا آمده است؟ آیا به مرور زمان اشتباهائی در آنها رسوخ کرده یا نه؟ آیا آنها امروز هم قابل اعتماد هستند یا خیر؟

کتاب مقدس بر خود گواهی میدهد که کلام خداست. این ادعا از دو حالت خارج نیست - یا راست است یا دروغ و ممکن نیست هر دو باشد. کاتبان

کتاب مقدس ادعا میکنند که از خداوند الهام گرفته فرمایشات پروردگار را یادداشت نموده اند. بنابراین نویسندگان یا الهام یافتند یا تمام مکتوباتشان دروغ محض و خودشان بدترین اغوا کنندگان دنیا هستند.

برای نمونه این حادثه را در نظر بگیریم: عیسی مسیح، سوار الاغی، باتفاق جمعیت هنگفتی به شهر اورشلیم داخل میشد. مردم بخيال اینکه اکنون پادشاهی پیدا شده که آنان را از بردگی رومیان آزاد خواهد ساخت ترنم باشکوهی میخواندند که: «خوش آمده ای پسر داود پادشاه! مبارک باد کسی که به اسم خداوند می آید. خدای بزرگ او را متبارک سازد.» (متی ۲۱:۹).

در میان جمعیت عده ئی فریسیان خوشحالی مردم را ملاحظه کرده، به مسیح نزدیک شده گفتند: «استاد، پیروانت را امر کن که ساکت باشند! این چه چیزهاست که می گویند؟» عیسی جواب داد: «اگر آنان ساکت شوند، سنگهای کنار راه بانگ شادی برخوانند آورد!» (لوقا ۱۹:۳۹ و ۴۰).

نقشه خداوند تعجیل و تأخیر ندارد. بکلمات دیگر: وقتی که زمان اجرا کار خداوند میرسد بانجام خواهند رسید. مسیح بدوران قرن بیستم نگاه کرده دانست که عده بسیار بزرگی تحت تاثیر افراد مشهور و معروف قرار گرفته فرمایشات خالق یکتا را بی اهمیت خواهند شمرد. در مقابل آن خداوند کتیبه های مخصوصی زیر آوار قرنهای نگهداشت تا در زمان معین سنگها بصدا در آیند و ایمانداران را از خطرات دنیا آگاهی داده و امیدشان را به آینده ئی که خدا پیش پینی کرده ببندند.

شنوندگان عزیز و محترم، در برنامه بعدی همین موضوع را دوباره تکرار خواهیم نمود و نمونه هائی خواهیم آورد که نشان میدهند سنگها چطور بصدا در میآیند و مدرک درستی و باورکردنی الهامات پروردگار را ثابت میکنند. تا آن وقت خدا حافظ شما.